



آن برشی که من نوشتم حاصل یک برنامه ترکیبی وسیع‌تری بود ولی به اندازه همان یک برش نتوانسته به همه اهداف خود برسد اما قابل قبول است

فایده‌یک

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ • شماره ۸۰۰

رو در رو

۷



با خودم فکر کردم کاش مجری برنامه هم عوض می‌شد. این تغییر عوامل، گویی منشأ خیر و برکت شد. به عنوان مثال، من خیلی از دغدغه‌های فکری‌ام را به آقای نیلی می‌گفتم و ایشان می‌گفت بگذارید این موضوع را در قالب آیتم پیاده کنیم، بنابراین، این همکاری و فهم مشترک را در ماحصل کار بسیار جذاب و دلچسب می‌دانم.

آیا نکته‌ای از برنامه دعوت امسال دارید؟

بله، می‌خواهم تفاوت دعوت امسال با سال‌های گذشته را بیان کنم. ما همیشه قصه‌هایمان را از فضای مجازی یا جراید پیدا می‌کردیم که آسیب بسیار زیادی داشت به خصوص در حوزه راستی آزمایی، اما امسال در کار گروهی که داشتیم، مقرر شد سوژه‌ها را از کتاب‌های داستانی و برنامه تلویزیونی را مثل فیلم از روی کتاب اقتباس کنیم. این به ما کمک کرد تا سراغ مستندات و مکتوبات برویم. همین باعث شد تا به لحاظ حرفه‌ای در محتوا عیارمان بسیار تغییر کند. اگر عملکرد ما مثل سال‌های گذشته می‌شد، انگار تکرار مکررات بود. باید در فضای مجازی به دنبال سوژه‌ها می‌گشتیم که چه کسی بیشتر فالوور دارد یا چه کسی زندگی رنج آورتری دارد.

هرچند ما اساس برنامه را بر شادی مخاطب گذاشته بودیم که اشک کسی را در نیابیم و اگر بناست اشکی هم باشد، اشک شادی و شوق است. ۳۳ جلد کتاب جابه‌جا شد و ما ۳۰ جلد کتاب مستقیم معرفی کردیم و ۳۰ نویسنده از انتشارات مختلف، به نظرم عیار محتوایی برنامه دعوت از برنامه‌های دیگر برتر بود اما ریزش مخاطب هم داشتیم. بعد از برنامه آقای علیخانی ذائقه مردم به سمت برنامه‌های ماه عسل رفته بود و دوست داشتند تا ترازوی یا درام بشنوند و تهیه‌کننده‌های دیگر هم سراغ همان نوع رفتند اما این نقد وجود دارد که برنامه‌سازان برنامه‌های از این دست را در تنوع و تکرار به قالب‌های دیگر نمی‌برند. من خودم این دغدغه را دارم و برای سال آینده قطعاً این دغدغه مرتفع خواهد شد.

علم و شناخت می‌خواهد. من در همین برنامه متوجه شدم کارگردان چقدر تأثیر دارد در تصویری که به مخاطب ارائه می‌دهیم. شاید قبل از اینها فکر می‌کردم واسطه خودم هستم اما دیدم نه، کارگردان باید آن تأثیر لازم را بگذارد. پس من قطعاً برنامه‌ساز نیستم اما ظرفیت محتوایی برنامه دعوت که خانواده محور بود، هنوز کامل نشده است.

آیا سردبیری برنامه دعوت، انتخاب مهمان و...

به عهده شما بود؟

خیر، من جزئی از آن برنامه بودم. ما یک اتاق فکر متشکل از آقایان احسان نیلی بزرگوار، آقای شریعت پناهی عزیز و علی بحرینی نازنین داشتیم که هرکدام از این بزرگواران هم به صورت مجزا تیمی داشتند و من صرفاً مسؤول محتوای علمی خودم بودم. گاهی احساس می‌کردم شاید فلان موضوع به درد مخاطب من نخورد، علاوه بر این که شاید موضوع خیلی هم درام یا تراژدیک بود اما احساس می‌کردم چیزی به مخاطب من ارائه نمی‌کرد پس آن موضوع را کنار می‌گذاشتم و سراغ مبحث دیگری می‌رفتم.

وقتی امسال عوامل برنامه دعوت عوض شدند،

جلسه‌ای که در سازمان داشتیم، یک ربع پیاده‌روی کردم و در این مدت چهار نفر با تیپ‌های مختلف به سمتم آمدند و صحبت کردند. مورد دیگری که می‌توانم به آن اشاره کنم، این است که چند وقت قبل ما در فرودگاه بودیم و یک ملتی داشتند از استانبول می‌آمدند و من ایستاده بودم. خب ملتی که از استانبول می‌آید متفاوت است با افرادی که از نجف می‌آیند. پسر جوانی که شاید ظاهراً به ما نمی‌خورد اما قلباً از ما خیلی جلوتر بود، آمد جلو و گفت تو نظر مرا در مورد روحانیت عوض کردی. در جامعه امروزی که با این مشکلات معیشتی، قضاوت‌ها زیاد است و گاهی کدر، این برخوردها و بازتاب‌ها مرا به شخصه بسیار خوشحال می‌کند. من خدا را شاکرم که برخورد بدی از جانب کسی نداشتم تا خاطرم را مکدر کند اما بدترین جا، آنجا بود که می‌گفتند تو جای مجریان را گرفته‌ای و این برای من خوشایند نبود.

آیا در این سال‌ها کاری بوده که در برنامه دعوت

باید انجام می‌شده، اما به هر دلیل نشده؟

من برنامه ساز نیستم اما شاگرد خوبی هستم. در برنامه خودم را یکی از عوامل برنامه می‌دانم، نه برنامه‌ساز چون برنامه‌سازی واقعا

من هم اعتماد کردم. گفتند تو کارشناس بخش مربوط هستی و خودت نیز اجرای آن را به عهده بگیر و آقای زین العابدین بزرگوار هم مرا حمایت کرد و این پیشنهاد خود شبکه یک بود و امروز بعد از چهار سال می‌توانم بگویم کمی از برنامه سازی را یاد گرفتم.

یعنی کار سختی‌هایی داشت که شما تازه به آن

واقف شدید؟

بله، قطعاً دوربین پیدا کردن یک مجری با کارشناس متفاوت است. این که شما کی دوربین را پیدا کنی، این که صرفاً مجری باشی و منبر نروی، این که برخلاف ذات طلبگی که متکلم هستی، حالا باید گوش بدهی. همه اینها تجربه من در این سال‌ها در برنامه دعوت بود.

آیا دعوت در این چهار سال توانسته به هدف

خود برسد؟

آن برشی که من نوشتم حاصل یک برنامه ترکیبی وسیع‌تری بود، ولی به اندازه همان یک برش نتوانسته به همه اهداف خود برسد، اما قابل قبول است.

دعوت را در قیاس با سایر رقبای ماه مبارکی

چطور می‌بینید؟

معتقد به رقابت نیستم و قائل به اینم که هر برنامه‌ای هدف، رسالت و مخاطب خود را دارد. من هم مخاطب حداکثری خودم را دارم و از این جهت بسیار راضی‌ام. برنامه دعوت، مدیر گروه، تهیه‌کننده و تیم برنامه ساز خوبی داشته و ماحصل کار هم خوب شده است. ضمن این که همین که یک روحانی مجری شده علاوه بر جاذبه، ممکن است دافعه‌هایی هم داشته باشد، چون همه محمد برمایی را نمی‌شناسند و شاید احساس کنند او آمده تا جای یکی دیگر را پر کند.

بهترین و بدترین بازخوردهایی که از برنامه

گرفتید به عنوان یک میزبان چه بوده است؟

بهترین بازخورد که خیلی زیاد به یاد دارم، نگاه مردم به طلبه، طلبگی و روحانیت است و این که مردم مرا دوست دارند. همین امروز صبح برای

